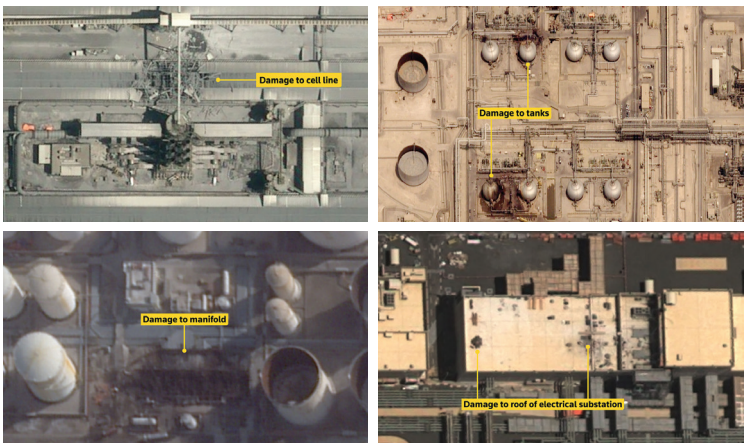




رویتزر بررسی کرد: چگونه ایران هزینه نبرد را به اقتصاد منطقه منتقل کرد؟ جنگ در قلب زیرساخت‌ها

دنیای اقتصاد: گزارش تحقیقی ۱۵ اکتبر روتنر با عنوان «حملات دقیق ایران چگونه زیرساخت‌های خلیج فارس را از کار انداخت و برنامه‌های جنگی آمریکا را مختل کرده» نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین ابعاد جنگ میان ایران، آمریکا و اسرائیل، فراتر از میدان نبرد نظامی، در شبکه پیچیده زیرساخت‌های اقتصادی منطقه جریان دارد. بر اساس این گزارش مفصل، ایران و متحدانش از آغاز حملات آمریکا و اسرائیل در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، دست‌کم ۱۳۵ حمله موشکی و پهپادی به ۸۴ مرکز زیرساختی در هفت کشور عری منطقه انجام داده‌اند. بررسی روتنر حاکی است که این حملات در موارد متعدد به تجهیزات حیاتی و نقاط گلوگاهی عملیات صنعتی اصابت کرده‌اند؛ تجهیزاتی که از اختلال نشان می‌تواند عملکرد یک مجموعه بزرگ اقتصادی را برای هفته‌ها یا ماه‌ها مختل کند. نکته محوری گزارش این است که ایران با وجود برتری نظامی آمریکا و متحدانش، توانسته است از آسیب‌پذیری زیرساخت‌های حیاتی منطقه به عنوان اهرمی راهبردی استفاده کند. اهمیت این رویکرد در آن است که برای ایجاد اختلالی گسترده در تولید و صادرات انرژی، لزوماً نیازی به نابودی کامل پالایشگاه‌ها، بنادر یا خطوط انتقال نیست، گاهی هدف قرار دادن یک قطعه محدود، سامانه انتقال یا واحد تامین برق کافی است تا فعالیت مجموعه‌ای بزرگ متوقف شود. به ازایابی روتنر، دقت حملات و انتخاب هدف‌های حساس نشان می‌دهد که این عملیات در موارد متعددی از الگویی هدفمند برخوردار بوده است؛ الگویی که هزینه جنگ را از تاسیسات نظامی فراتر برده و به اقتصاد کشورهای منطقه و بازارهای جهانی منتقل کرده است.

یکی از روشن‌ترین نمونه‌ها، بندر فجیره در امارات متحده عربی است؛ بندری در خارج از تنگه هرمز که امکان انتقال نفت و فرآورده‌های نفتی را بدون عبور از این آبراه فراهم می‌کند. این بندر در شرایطی که ایران تردد از تنگه هرمز را محدود کرده بود، اهمیت ویژه‌ای برای حفظ جریان صادرات انرژی داشت. با این حال، طبق بررسی روتنر، فجیره از آغاز جنگ دست‌کم ۱۹ بار هدف حملات رهگیری شده نسبت داده شده‌اند. با این نفت و سامانه‌های انتقالی آسیب دیدند؛ سامانه‌هایی که نفت را از پایانه‌های ذخیره‌سازی به محل بارگیری کشتی‌ها منتقل می‌کنند. در پی حملات ماه مارس، میزان بارگیری نفت به‌شدت کاهش یافت و پس از حمله چهارم مه، صادرات فرآورده‌های نفتی تقریباً یک ماه متوقف شد. به این ترتیب، حتی مسیر جایگزینی که برای کاهش اثر محاصره هرمز طراحی شده بود، خود به نقطه‌ای آسیب‌پذیر تبدیل شد.

نمونه مهم دیگر، تاسیسات گاز طبیعی مایع‌شده راس لفان قطر است؛ مجموعه‌ای که نقش اساسی در عرضه جهانی گاز دارد. حملات به دو واحد موسوم به «جعبه سرد» که برای سرد کردن و برای مایع‌سازی گاز ضروری‌اند، خسارتی سنگین به این تاسیسات وارد کرد. مدیرعامل شرکت قطر انرژی برآورد کرده بود که تعمیر کامل این تجهیزات ممکن است سه تا پنج سال زمان ببرد. اهمیت این خسارت تنها به اقتصاد قطر محدود نیست؛ گزارش روتنر می‌گوید حملات به تاسیسات راس لفان، نزدیک به یک پنجم جریان جهانی گاز طبیعی مایع‌شده را در معرض اختلال قرار داده است. این نمونه نشان می‌دهد که آسیب به تعداد محدودی از تجهیزات تخصصی، به‌دلیل پیچیدگی ساخت و جایگزینی آنها، می‌تواند پیامدهایی بسیار فراتر از محل اصل داشته باشد.

دکتر عباس آخوندی، وزیر

پیشین راه و شهرسازی و استاد دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، در سخنرانی خود در بنیاد باران با عنوان «گذارهای جهانی، زنجیره ارزش و معماری توسعه ایران» با تأکید بر تغییرات ساختاری در اقتصاد سیاسی جهان، معتقد است ایران برای دستیابی به توسعه پایدار باید در خود از قدرت و امنیت را بازتعریف کند. از نگاه او، در جهانی که تولید و ثروت در زنجیره‌های ارزش به‌هم پیوسته شکل می‌گیرد، قدرت صرفاً به معنای کنترل سرزمین یا اعمال نفوذ نظامی نیست، بلکه توانایی حفاظت از جریان‌های اقتصادی، مدیریت ریسک و ایجاد رفاه برای جامعه است. آخوندی در این سخنان که روز سه‌شنبه ۲۱ مهر ۱۴۰۵ در بنیاد باران ارائه کرد، با طرح ایده «امنیت شبکه‌ای» و ضرورت بازنگری در معماری توسعه ایران، تأکید کرد که عبور از وضعیت موجود مستلزم اصلاحات نهادی، ثبات اقتصادی، حفاظت از منابع حیاتی و بازتعریف روابط منطقه‌ای بر مبنای منافع مشترک است. وی در سه بخش به هم پیوسته این الگو را تشریح می‌کند.

بخش نخست: گذارهای جهانی و زنجیره ارزش آخوندی در تحلیل تحولات اقتصاد سیاسی جهان، نقطه آغاز را شناخت توزیع ثروت و قدرت اقتصادی می‌داند. بر اساس آمارهای سال ۲۰۲۵ که او به آنها استناد می‌کند، تولید ناخالص داخلی جهان حدود ۱۱۷ تریلیون دلار است که از این میزان، بیش از ۳۰ تریلیون دلار به آمریکا، حدود ۱۹ تریلیون دلار به اروپا و حدود ۱۹۴ تریلیون دلار به چین تعلق دارد. در مجموع، نزدیک به ۵۸ درصد تولید جهانی در این سه قطب اقتصادی متمرکز شده است؛ تمرکزی که به گفته او، شناخت جایگاه این قدرت‌ها و نسبت ایران با آنها به ضرورتی راهبردی تبدیل می‌کند.

این تحلیلگر مسائل استراتژیک در تشریح بخش‌های اثرگذار است، اما دیگر از آزادی عمل مطلق دهه ۱۹۹۰ رویتزر یاد نیست. در آن دوره، فروپاشی اتحاد شوروی و ظهور دگرگونی‌های ژئوپلیتیکی در جهان، فرصت‌های جدیدی را فراهم کرد و رویتزر به موقعیتی قرار گرفت که خود را چندان مقید به قواعد و ارزش‌های نظم لیبرال نمی‌دید. وی معتقد است سیاست‌های آمریکا، به‌ویژه در دوره دونالد ترامپ، به‌سمت رویکردی نفورکنانه‌لیستی حرکت کرده‌است؛ نظمی که پیش‌دوره قرن‌های هفدهم و هجدهم و اوایل قرن نوزدهم، یعنی دوران پیشالیبرال که مبنای سیاست آمریکا در دوره کنونی را به سمت سلسله مطلق بر جهان و بی‌اعتنایی به دیگران سوق داده است.

بخش دیگری از گزارش به شکاف میان واقعیت خسارات و روایت رسمی دولت‌های منطقه می‌پردازد. رویتزر با بررسی تصاویر ماهواره‌ای، ویدئوها، داده‌های راداری و اظهارات رسمی و یا مصاحبه ۳۶ فرد آگاه، به این نتیجه رسید که در دست‌کم ۴۴ پایانه رسمی، خسارت‌ها به بقایای موشک‌ها یا پهپادهای رهگیری شده نسبت داده شده‌اند. با این حال، ۱۴ متخصص و فرد مطلع که یافته‌ها و تصاویر رویتزر را بررسی کردند، احتمال اینکه خسارت به تجهیزات حیاتی ده‌ها مرکز عمدتاً ناشی از سقوط تصادفی بقایا باشد، بسیار اندک دانستند. همزمان، محدودیت‌های قانونی برای انتشار تصاویر حملات در برخی کشورهای خلیج فارس، از زایابی مستقل ابعاد واقعی خسارت را دشوار کرده است.

در مجموع، پیام اصلی گزارش آن است که قدرت نظامی تنها با تعداد جنگنده‌ها، موشک‌ها یا سامانه‌های پدافندی سنجیده نمی‌شود. ایران با بهره‌گیری از موشک‌ها و پهپادها و با تمرکز بر نقاط حساس زنجیره تولید، انتقال و صادرات، توانسته است هزینه‌های جنگ را افزایش دهد، امنیت اقتصادی دولت‌های عربی میزبان پایگاه‌های آمریکا را به چالش بکشد و بر بازار جهانی انرژی فشار وارد کند. همزمان، اختلال در مسیرهای جایگزین تنگه هرمز، از جمله فجیره و خط لوله شرق به غرب عربستان، نشان می‌دهد که راه‌های فرار از بحران نیز آسیب‌پذیرند. نتیجه راهبردی این وضعیت آن است که زیرساخت‌های اقتصادی را به بخشی تعیین‌کننده از میدان جنگ تبدیل شده‌اند، بخشی که خسارت به آن می‌تواند بسیار طولانی‌تر از یک حمله نظامی ادامه یابد و در مذاکرات سیاسی نیز به اهرم فشار تبدیل شود.

از اقتصاد آمریکاست، اما رشد سریع‌تر آن طی دهه‌های گذشته، جایگاه یک‌رکن‌رادر معادلات جهانی ارتقا داده است. آخوندی همچنین بر اهمیت رشد هند تأکید می‌کند؛ کشوری که با تداوم روند رشد اقتصادی خود می‌تواند در دهه‌های آینده به یکی از قطب‌های اصلی اقتصاد جهان تبدیل شود. بر این اساس، از نظر این استاد دانشگاه تحلیل جایگاه ایران نباید تنها بر وضعیت فعلی کشور و محدودیت‌های موجود متمرکز باشد. تصمیم‌گیری راهبردی مستلزم درک چشم‌انداز دست‌کم یک‌دهه آینده و شناخت تغییراتی است که در توزیع قدرت اقتصادی و جغرافیایی تولید جهان رخ می‌دهد. انتقال تدریجی مرکز ثقل تولید به آسیا، می‌تواند ساختار ژئوپلیتیک جهان را نیز دگرگون کند.

زنجیره‌های ارزش: عرصه تازه رقابت قدرت‌ها آخوندی بخش مهمی از تحلیل خود در بخش اول را به زنجیره‌های ارزش جهانی اختصاص می‌دهد؛ شبکه‌هایی که از تامین مواد اولیه و انرژی آغاز می‌شوند و با دانش و فناوری، تولید، حمل‌ونقل و دسترسی به بازارهای مصرف ادامه می‌یابند. از نگاه او، بخش عمده تولید جهانی در قالب زنجیره‌هایی به‌هم پیوسته شکل می‌گیرد و نمی‌توان اقتصاد جهانی را صرفاً مجموعه‌ای از کشورها و بازارهای مستقل در نظر گرفت.

این تحلیلگر مسائل ژئواستراتژیک سه زنجیره عمده را در اقتصاد جهان شناسایی می‌کند: زنجیره مستقر در نیمکره غربی و عمدتاً قاره آمریکا، زنجیره شمالی و زنجیره میانی که چین آغاز می‌شود و تا آفریقا امتداد می‌یابد. به اعتقاد او، زنجیره میانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و ایران نیز از نظر جغرافیایی در یکی از نقاط گره‌گاهی آن قرار گرفته است. این موقعیت، هم‌فرصت ایجاد می‌کند و هم مسوولیت به همراه دارد و پرسش اصلی آن است که آیا غایت قدرت، خلق رفاه برای ملت‌هاست یا تهدید این زنجیره و اعمال قدرت و کنترل بر آن است؟

عباس آخوندی تأکید می‌کند که قدرت‌های اقتصادی جهان به امنیت این زنجیره‌ها وابسته‌اند و هیچ‌یک از بازیگران بزرگ نمی‌توانند نامنی پایدار در مسیرهای اصلی تجارت و تولید را به‌سادگی تحمل کنند. از این منظر، مفهوم قدرت نیز باید متناسب با شرایط قرن بیست‌ویکم بازتعریف شود. در برداشت این استاد دانشگاه قدرت دیگر صرفاً در کنترل سرزمین‌ها یا تسلط بر مسیرهای جغرافیایی خلاصه نمی‌شود، بلکه در توانایی حفظ جریان پایدار تولید، تجارت و انتقال فناوری و در افزایش ظرفیت زنجیره‌های ارزش برای خلق ثروت و رفاه معناپیدایی می‌کند.

او برای نشان دادن تداوم اهمیت قدرت نظامی، به برآوردهای هزینه‌های دفاعی سال ۲۰۲۵ اشاره می‌کند. بر اساس ارقام ارائه‌شده در سخنرانی او، هزینه نظامی جهان حدود ۲.۸۸۷ تریلیون دلار بوده است، سهم آمریکا ۹۵۴ میلیارد دلار، چین ۳۳۶ میلیارد دلار و روسیه ۱۹۰ میلیارد دلار برآورد شده است. هزینه‌های نظامی خاورمیانه نیز حدود ۲۱۸ میلیارد دلار اعلام شده که در این میان، عربستان سعودی ۸۳.۲ میلیارد دلار، اسرائیل ۴۸.۳ میلیارد



دلار و ترکیه حدود ۳۰ میلیارد دلار هزینه کرده‌اند. رقم رسمی هزینه نظامی ایران نیز ۷.۴ میلیارد دلار ذکر شده است. آخوندی با اشاره به این ارقام، بر ضرورت برخورداری ایران از توان دفاعی متناسب با شرایط منطقه تأکید می‌کند، اما هشدار می‌دهد که امنیت را نمی‌توان صرفاً به قدرت نظامی تقلیل داد.

بخش دوم: امنیت شبکه‌ای: پیوند امنیت و توسعه آخوندی در بخش دوم ارائه خود به مفهوم جدید امنیت اشاره می‌کند و معتقد است مفهوم امنیت در جهان امروز از چارچوب سنتنی خود فراتر رفته است. رقابت بر سر ترانه‌ها، هوش مصنوعی و مواد معدنی کمیاب، محدودیت‌های انرژی، تحریم‌های اقتصادی و اختلال در مسیرهای حمل‌ونقل نشان می‌دهد که امنیت زنجیره‌های ارزش به مجموعه‌ای از عوامل وابسته است. از این رو، هرگونه اختلال در یکی از حلقه‌های این شبکه می‌تواند آثار خود را به بخش‌های دیگر منتقل کند. در چنین شرایطی، او از ضرورت گذار از «موازنه تهدید» به «مدیریت ریسک» سخن می‌گوید.

در رویکرد نخست، امنیت عمدتاً با شناسایی تهدیدها و ایجاد بازه‌اندازنگی در برابر آنها تعریف می‌شود؛ اما در رویکرد دوم، هدف اصلی کاهش احتمال بحران، جلوگیری از گسترش مخاطرات و حفاظت از منافع مشترک بازیگران است. این تغییر رویکرد به معنای نادیده گرفتن تهدیدهای نظامی نیست، بلکه به معنای پذیرش این واقعیت است که امنیت پایدار تنها به ازباز نظامی تامین نمی‌شود. بنابراین امنیت دیگر فقط دفاع نیست، امنیت به امنیت فناوری، انرژی، بازار و لجستیک بازمی‌گردد و فقط در مرز یک کشور تعریف نمی‌شود. در همین چارچوب وی به ابتکارهای جهانی چین و تأکید این کشور بر مفاهیمی مانند امنیت مشترک، احترام به حاکمیت کشورها، چندجانبه‌گرایی و پیوند امنیت با توسعه اشاره می‌کند. این رویکردها نشان می‌دهند که در کنار رقابت قدرت‌ها، بحث درباره سازوکارهای جمعی مدیریت مخاطرات نیز اهمیت یافته است.

پیشنهاد همکاری منطقه‌ای یکی از پیشنهادهای محوری عباس آخوندی برای شکل‌گیری امنیت شبکه‌ای در منطقه، ایجاد «شورای همکاری مدیریت ریسک خلیج فارس» است. در این طرح، ایران، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، ترکیه، مصر و پاکستان می‌توانند در قالب سازوکاری منطقه‌ای سرای مدیریت مخاطرات مشترک همکاری کنند. چین و هند نیز می‌توانند در سطحی گسترده‌تر، نقش پشتیبان یا چارچوب‌دهنده به این همکاری داشته باشند. هدف از این پیشنهاد، تشکیک انحصاری و نامشخص بودن مرز فعالیت دولت، نهادهای عمومی و بخش خصوصی، امکان رقابت سالم و افزایش بهره‌وری را محدود می‌کند. توسعه اقتصادی نیازمند قواعد روشن، تضمین مالکیت، مسوولیت‌پذیری نهادها و فراهم شدن فضایی است که بنگاه‌های خصوصی بتوانند بدون رقابت نابرابر فعالیت کنند. آخوندی در نهایت خواستار گذار از «بقای تهدیدمحور» به «رفاه توسعه‌گرا» است؛ گذاری که به تعبیر او، با شفافیت و دولت‌مسئول امکان‌پذیر می‌شود.

پیشنهاد همکاری منطقه‌ای یکی از پیشنهادهای محوری عباس آخوندی برای شکل‌گیری امنیت شبکه‌ای در منطقه، ایجاد «شورای همکاری مدیریت ریسک خلیج فارس» است. در این طرح، ایران، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، ترکیه، مصر و پاکستان می‌توانند در قالب سازوکاری منطقه‌ای سرای مدیریت مخاطرات مشترک همکاری کنند. چین و هند نیز می‌توانند در سطحی گسترده‌تر، نقش پشتیبان یا چارچوب‌دهنده به این همکاری داشته باشند. هدف از این پیشنهاد، تشکیک انحصاری و نامشخص بودن مرز فعالیت دولت، نهادهای عمومی و بخش خصوصی، امکان رقابت سالم و افزایش بهره‌وری را محدود می‌کند. توسعه اقتصادی نیازمند قواعد روشن، تضمین مالکیت، مسوولیت‌پذیری نهادها و فراهم شدن فضایی است که بنگاه‌های خصوصی بتوانند بدون رقابت نابرابر فعالیت کنند. آخوندی در نهایت خواستار گذار از «بقای تهدیدمحور» به «رفاه توسعه‌گرا» است؛ گذاری که به تعبیر او، با شفافیت و دولت‌مسئول امکان‌پذیر می‌شود.

آگهی مناقصه عمومی (دومرحله‌ای)

موضوع مناقصه: «واگذاری طراحی، تأمین، نصب، راه‌اندازی، بهره‌برداری و انتقال (BOT) سامانه مدیریت و راهنمای پارکینگ هوشمند (PMS/PGS) بازار بزرگ ایران»

محل اجرای کار: شهر تهران، بازار بزرگ ایران (ایران مال)

مهلت دریافت اسناد: روز شنبه ۱۴۰۵/۰۷/۲۵ تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۶

دریافت پیشنهاد: تا ساعت ۱۶:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۶
مدت پیمان: متناسب با مدل مالی پیشنهادی
شرح مختصری از پروژه: واگذاری طراحی، تأمین، نصب، راه‌اندازی، بهره‌برداری و راهنمای پارکینگ هوشمند

قیمت اسناد و نحوه واریز وجه: واریز مبلغ ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (پنجاه میلیون ریال) - به حساب شماره ۰۱۱۹۹۲۸۲۸۹۰۶۶ - یا شماره شبای دبیرخانه - تلفن ۴۶۰۲۵۰۰۴
واریز در کلیه شعب به نام توسعه بین الملل ایران مال: لازم به ذکر است، هزینه انتشار آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد: معرفی‌نامه کتبی و فیش واریز وجه خرید اسناد

محل اجرای کار: شهر تهران، بازار بزرگ ایران (ایران مال)

مهلت دریافت اسناد: روز شنبه ۱۴۰۵/۰۷/۲۵ تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۶

دریافت پیشنهاد: تا ساعت ۱۶:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۶
مدت پیمان: متناسب با مدل مالی پیشنهادی
شرح مختصری از پروژه: واگذاری طراحی، تأمین، نصب، راه‌اندازی، بهره‌برداری و راهنمای پارکینگ هوشمند

قیمت اسناد و نحوه واریز وجه: واریز مبلغ ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (پنجاه میلیون ریال) - به حساب شماره ۰۱۱۹۹۲۸۲۸۹۰۶۶ - یا شماره شبای دبیرخانه - تلفن ۴۶۰۲۵۰۰۴
واریز در کلیه شعب به نام توسعه بین الملل ایران مال: لازم به ذکر است، هزینه انتشار آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد: معرفی‌نامه کتبی و فیش واریز وجه جهت خرید اسناد

آگهی مناقصه عمومی (یک مرحله‌ای)

موضوع مناقصه: «دستمزد اجرا و راه‌اندازی اتاق ارتباطات (TR (Telecommunication Room و بخشی از تجهیزات Active بازار بزرگ ایران»

محل اجرای کار: شهر تهران، بازار بزرگ ایران (ایران مال)

مهلت دریافت اسناد: روز شنبه ۱۴۰۵/۰۷/۲۵ تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۶

دریافت پیشنهاد: تا ساعت ۱۶:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۶
مدت پیمان: ۶ ماه شمسی
قیمت اسناد و نحوه واریز وجه: واریز مبلغ ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (پنجاه میلیون ریال) - به حساب شماره ۰۱۱۹۹۲۸۲۸۹۰۶۶ - یا شماره شبای دبیرخانه - تلفن ۴۶۰۲۵۰۰۴
واریز در کلیه شعب به نام توسعه بین الملل ایران مال: لازم به ذکر است، هزینه انتشار آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد: معرفی‌نامه کتبی و فیش واریز وجه جهت خرید اسناد
میزان سپرده شرکت در فرآیند ارجاع کار: مبلغ ۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

شرکت توسعه بین الملل ایران مال (سهامی عام)